

تن کی محجرت

امیر محمد عباس نژاد

www.ketab.ir



تن های محبر | خاطرات آزادی ایرانی؛ حجت الاسلام قدمعلی اسحاقیان
امیر محمد عباس نژاد
محمد مهدی عقابی
سید مهدی حسینی
۲۵۰۰ نسخه
ششم | ۱۳۹۸
۳۳.۰۰۰ تومان

عنوان
مصاحبه و تدوین
ویرایش
طرح جلد
شمارگان
نوبت چاپ
قیمت

عباس نژاد، امیر محمد، ۱۳۶۱- گردآورنده
تن های محبر؛ خاطرات آزادی ایرانی قدمعلی اسحاقیان
مصاحبه کننده و تدوین گرامیر محمد عباس نژاد
قم؛ خط مقدم، ۱۳۹۷.
۴۱۶ ص.؛ مصور.

۸-۰-۹۵۱۳۴-۶۲۲-۹۷۸

فیا
خاطرات آزادی ایرانی حجت الاسلام والمسلمین قدمعلی اسحاقیان.
اسحاقیان، قدمعلی، ۱۳۴۶- خاطرات
جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷- آزادگان- خاطرات
ع ۲، ۱۳۹۷ / الف ۱۶۲۹ DSR
۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲
۴۹۸۸۱۷۶

سرشناسه
عنوان
تکرار نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
وضعیت فهرست نویسی
یادداشت
موضوع
موضوع
رده بندی کنگره
رده بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

۹

مقدمه

۱۱

والفجر چهار

۳۵

خیبر

۵۱

شلمچه‌ی نشد

۶۱

اعزام آخر

۸۹

تحقیر ماهر عبدالرشید

۱۱۱

نوروز ۱۳۶۴

۱۱۷

اول کاپرس

۱۲۱

تاتراکابری

۱۲۳

شماره صد هشتاد

۱۲۹

آی زینب علیها السلام

شورش در آسایشگاه

قُتِلَ الحسین

تغییر اردوگاه

دهه‌ی فجر ۱۳۶۶

تهدید به اعدام

تبعید به بغداد

تَن‌های مَحْجَر

محاکمه در بغداد

حبس ابد

اسرای کویتی

خبر آزادی

ورود به تهران

شروع دلتنگی

وفای به نذر

فهرست منابع

اسناد و تصاویر

۱۵۹

۱۷۱

۱۸۳

۱۹۹

۲۰۷

۲۳۳

۲۳۹

۲۴۵

۲۶۷

۲۹۵

۳۲۹

۳۳۹

۳۵۱

۳۶۵

۳۶۹

۳۷۳

بعضی خنده‌ها، آشنا هستند. مهم نیست این خنده‌ها کجا باشند؛ روی دیوار، یا توی قاب عکس، یا توی دل مان؛ خیال می‌کنیم صاحب آن خنده را می‌شناسیم. خنده‌هایی را که در زندگی مان کمتر دیده‌ایم، گاهی روی دیوار شهرها می‌بینیم؛ خنده‌هایی که بر لب دارند؛ پُراز حرف‌اند. هریک، داستانی را برایمان روایت می‌کنند؛ داستانی از ایستادن‌ها، نیفتادن‌ها، پایداری‌ها، جنگ؛ و داستان‌هایی از تنهایی و اسارت در سلول‌های مخوف صدام؛ داستان مردانی مثل آشیخ عباس شیرازی، و همه‌ی روحانیان گمنامی که هر جایی بودند، با لباس طلبگی به میدان رفتند؛ مردانی مثل قدمعلی اسحاقیان که در نوجوانی پا به میدان‌های نبرد گذاشت و شانه به شانه‌ی کسانی که بزرگ‌تراز خودش بودند، جنگید. مجروح شد، اسیر شد، و بعد هم در همان عراق به اعدام محکوم‌اش کردند.

اکنون، در این کتاب «تن‌های محجر»، زندگی این رزمنده‌ی کوچک سال را می‌خوانید که در نجهه‌ها و اسارت بزرگی کرد.

اولین بار وقتی در حیات حرم حضرت معصومه علیها السلام، حاج آقا قدمعلی اسحاقیان را دیدم، لبخندِ آشنایی بر لب داشت؛ شبیه

لبخند آرامش بخش شهید آشیخ عباس شیرازی. آن روزها، آذر ۱۳۹۵ بود. روزهایی که زیر سقف رواق حرم حضرت معصومه علیها السلام بودم و پای صحبت‌های ایشان می‌نشستم، لحظات خوشی بود. بیش از چهل ساعت با هم حرف زدیم. از همان اول، با صمیمیت و سادگی به سؤال‌هایم جواب داد.

وقتی پرسیدم توی این چهل سال رزمندگی دنبال چه بوده است، با همان آرامش خاص خودش گفت: «شهادت.»
برایم عجیب بود که مردی با این همه سال رشادت و جنگ هنوز به آرزویش نرسیده است.

بعد از پیاده‌سازی و تدوین اولیه‌ی مصاحبه، کمبودهایی در کار دیدم که برای تکمیل‌شان باز با ایشان هم‌کلام شدم.
در این کتاب، خاطرات ایشان از دوران تحصیل، جنگ و اسارت تا عضویت در کمیته‌ی جست‌وجوی مفقودان و تفحص، همه را آورده‌ام. نگارش این کتاب را مدیون لطف الهی هستم؛ اما شایسته است در کنار آن، از استاد ارجمندم آقای مرتضی سرهنگی؛ دوست بزرگوارم ساسان ناطق و همچنین از خانواده‌ی راوی سپاسگزار باشم که همواره یاورم بودند و نظریات‌شان را در بهتر شدن این کتاب دریغ نکردند.